

رضاریاحی اول دی ماه امسال هم زمان با روز مادر و تولد حضرت زهرا^(س)، وقتی عقربه‌ها ساعت ۹:۳۰ صبح را نشان می‌داد، تعدادی از اهالی بولوار توس، سفر پیاده خود را به کربلا آغاز کردند. اهالی برای بدرقه آن‌ها جلو شیرینی فروشی آقای سادات در خادم الشریعه ۴ جمع شده بودند. حاج نبی... داوودی که سرپرست کاروان است، سرپندهای یا حسین^(ع) و یا ابوالفضل^(ع) را بین زائران پیاده تقسیم می‌کرد و هر کدام سرپند نفر کناری را می‌بست، درست مثل روزهای جنگ و قبل از شروع عملیات. همسایه‌های یکی برای بدرقه می‌آمدند و التماس دعا داشتند. بوی اسپند فضای کوچه را پر کرده بود؛ یکی برای پسر جوانش آرزوی دامادی می‌کرد، آن یکی شغای بیمارش را طلب می‌کرد و دیگری پارچه‌ای سبزرنگ به حاج نبی... می‌داد تا در حرم اهل بیت^(ع) متبرک کند. هر کدام از زائران دویلیه کاپشن به تن داشتند و یکی هم در کوله‌شان گذاشته بودند برای روز مبادا. بالاخره صحبت یک روز و دوروز که نبود؛ زائران پیاده کاروان منتظران حضرت مهدی^(عج) قرار بود ۴۵ روز در این سرمای زمستان پیاده روی کنند و خودشان را به کربلا برسانند. این دهمین سالی است که زائران پیاده کاروان منتظران مهدی^(عج)، در روز تولد حضرت زهرا^(س) راهی زیارت امام حسین^(ع) می‌شوند. آن‌ها هم زمان با تولد امام حسین^(ع) به کربلا رسیدند و تا نیمه شعبان به زیارت اهل بیت^(ع) ادامه می‌دهند.

● ○ از گندم درو فرار کردی!

کاروان پیاده منتظران حضرت مهدی^(عج) حرکت خودشان را از بزرگراه پیامبر اعظم^(ص) به سمت قوچان آغاز کردند. چند قدمی با آن‌ها هم مسیر شدم تا بانی... داوودی، سرپرست این گروه زیارتی، گپ و گفتی داشته باشم. سرمای صبحگاهی از گزگز پاها و انگشت‌ها به مغز استخوان رسیده و دیگر «ها» کردن دست‌ها هم اثر خودش را از دست داده بود. با وجود این اعضای کاروان، مصمم و خوشحال سفر پیاده خود را آغاز کردند. هیچ چهره‌ای خواب‌آلود نبود، همه سر حال بودند و بانشاط. نشان به آن نشان که سید علی سیدی که مسن‌ترین زائر کاروان است، شروع کرده به دویدن تا آمادگی بدنی اش را به رخ جوان ترها بکشد. سر صحبت را با حاج نبی... باز کردم که هر سال از مشهد به کربلا می‌رود. او اولین بار چهارده سال پیش، طعم این سفر زیارتی را چشیده است. سال ۱۳۸۹ نبی... داوودی برای اولین بار دل به جاده کربلا زد. آن‌ها هم با پای پیاده و تن‌ها. او اهل گرمه و جاجرم است. دلش نمی‌آمده بدون خدا حافظی از مادر راهی کربلا شود. برای همین اول به نزد مادرش رفته و از گرمه و جاجرم مسیر شاه‌رود و سمنان و تهران و... را پیش گرفته و از آنجا خودش را به کرمانشاه و مرز مهران و کشور عراق رسانده است. او تا پیش از این، تجربه سفر پیاده را نداشته است، حتی تاروستای بعدی، چه برسد به اینکه بخواهد ۲ هزار و ۶۰۰ کیلومتر راه را پیاده روی کند! از بچه‌های روستای پرسد تا آبادی بعدی چقدر راه است. به او می‌گویند: «تا «جهان آباد» ۱۲ کیلومتر راه است. انگار هم ولایتی هایش او را دست انداخته بودند، زیر حاج نبی... تا روستای بعدی ۵۸ کیلومتر راه طی می‌کند، در دل کویر و بدون یک قطره آب! از او می‌پرسم: «چرا بدون آب؟» می‌گوید: ۱۲ کیلومتر راه ارزش سنگینی بار و برداشتن آب را نداشت!

آقای نبی... به روستای بعدی هم که می‌رسد، اهالی به او آب نمی‌دهند و می‌گویند: «تو کارگر هستی و از گندم درو فرار کرده‌ای!» خلاصه که اولین سفر زیارتی حاج نبی... خیلی سخت شروع می‌شود، اما کمی که جلوتر می‌رود، در بیابان گرمه و جاجرم، درست وسط تابستان، باران شروع به باریدن می‌کند و او این رحمت الهی را برای خودش یک نشانه از سمت پروردگار می‌داند و سفرش را ادامه می‌دهد.

تعدادی از اهالی بولوار توس، خودشان را برای تو

قدم‌های

● ○ سرودست شکستن عراقی‌ها برای پذیرایی

۲ هزار و ۶۰۰ کیلومتر پیاده روی در سرمای زمستان، کار بسیار دشواری است که از عهده هر کسی بر نمی‌آید. مسیر حرکت از جاده شمال کشور است؛ یعنی زائران از مشهد به قوچان، بجنورد، گرگان، ساری، آمل، تهران، قم، اراک، خرم‌آباد، کوهر دشت و ایلام می‌روند و از مرز مهران وارد کشور عراق می‌شوند. این پیاده روی تانجف و کربلا هم ادامه دارد. مدیریت این جمع هفتاد هشتاد نفره هم کار بسیار سختی است که حالا دیگر برای حاج نبی... آسان شده است.

زائران در این ۴۵ روز صبحانه و ناهار و شام و مکانی برای استراحت و اسکان می‌خواهند. این مکان‌ها از قبل هماهنگ شده است، به طوری که مثلاً می‌دانند روز دهم برای استراحت کجای خوابند و بانی پذیرایی از آن‌ها چه کسی است. برای همین نباید در طول مسیر و مسافرت وقفه‌ای در کار باشد. آن‌ها بعد از نماز صبح شروع به حرکت می‌کنند تا نماز ظهر و وقت ناهار، بعد از ناهار، راه خود را ادامه می‌دهند تا نماز مغرب و عشاء. شب که می‌شود، کاروان در مکانی اتراق می‌کند و فردا صبح دوباره مسیرش را از سر می‌گیرد.

حاج نبی... می‌گوید: همه کارها باید درست و سر وقت انجام شود. به قول امروزی‌ها «آن تایم». اگر یکی از اعضای کاروان در طول مسیر به بیماری دچار شود، چند روزی را با ما شین تدارکات حرکت می‌کند و به استراحت می‌پردازد. هیچ وقفه‌ای در حرکت زائران در کار نخواهد بود.

کاروان منتظران حضرت مهدی^(عج) از لحظه‌ای که وارد کشور عراق می‌شوند، مهمان موکب‌های عراقی هستند و به قول معروف برای پذیرایی از آن‌ها سرودست می‌شکنند. حاج نبی... می‌گوید: قبل از سفر چند نفر از خیران عراقی که موکب دارند، از ما قول گرفته‌اند که در کشورشان مهمان آن‌ها باشیم و صبحانه و ناهار و شام و اسکان بچه‌ها را تأمین می‌کنند؛ آن‌ها فقط یک شرط دارند، لباسی را که در مسیر به تن داشتیم، به عنوان تبرک از ما هدیه می‌گیرند. این را هم بگویم هر وقت زائران پیاده از کربلا به مشهد می‌ایند، ما هم برای آن‌ها سنگ تمام می‌گذاریم و قدمشان روی چشم ماست.

